



## نگاهی به رخدادهای آخرالزمان از منظر قرآن - بخش ۲

### ۳. خروج سفیانی

«و لو تری إذ فزعوا فلا فوتَ و أخذوا من مکانِ قریبِ (۵۶)»

در شأن نزول این آیه از چهار گروه نام برده شده است:

الف) مشرکانی که در مقابل دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به لجاجت پرداخته و عذاب الهی در دنیا بر آن ها فرود آمده است. (۵۷)

ب) آن دسته از مشرکان که در جنگ بدر به صف آرایی در مقابل مسلمانان پرداختند و در همین جنگ کشته شدند. (۵۸)

ج) مشرکانی که پس از دمیدن در صور از گور خارج شده و با دیدن نشانه های قیامت و عذاب الهی دچار وحشت شدید می شوند و با وجود ابراز ایمان، سودی به حالشان نمی بخشد. (۵۹).

د) لشکریان سفیانی که در آخرالزمان خروج می کنند و وقتی به سرزمین پیدا می رسند به فرمان الهی در زمین فرو می روند و تنها یک یا دو نفر از آنان باقی می ماند (۶۰).

آن چه در ادامه این آیه آمده، دو دیدگاه نخست را مردود می سازد؛ زیرا آنان با دیدن عذاب الهی می گویند: ما ایمان می آوریم، اما این ابراز ایمان سودی به حال آنان نمی بخشد. بدیهی است مشرکان، چه در جنگ بدر و چه در شرایط دیگر، هرگاه به راستی ایمان می آوردند از آن ها پذیرفته می شد و برایشان سودبخش بود. از سوی دیگر، تاریخ نشان نمی دهد مشرکان در جنگ بدر یا شرایط دیگر با دیدن عذاب الهی اظهار ایمان نموده باشند. بنابراین، یکی از دو تفسیر سوم و چهارم یا هر دوی آن ها صحیح است.

علامه طباطبایی این آیه را بر اساس دیدگاه سوم تفسیر کرده (۶۱) و در برخورد با روایات خروج سفیانی بر این باور است که آیه بر اساس قاعده جری و تطبیق بر ماجرای سفیانی حمل شده است. (۶۲) دیدگاه علامه از آن رو که بین ظاهر آیه که ناظر به قیامت است



و روایات فراوانی که آیه را به ماجرای خروج سفیانی حمل کرده اند جمع کرده است، صائب به نظر می رسد. گذشته از آیه مذکور، آیات دیگری در روایات اهل بیت علیهم السلام بر خروج سفیانی تطبیق شده که عبارتند از: «یا ایها الذین اوتوا الكتاب آمنوا بما نزلنا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدُّهَا اَدْبَارَهَا» (۶۳)؛ ای کسانی که به شما کتاب داده شده است، به آن چه فرو فرستادیم و تصدیق کننده همان چیزی است که با شماست ایمان بیاورید، پیش از آن که چهره هایی را محو کنیم و در نتیجه آن ها را به قهقرا بازگردانیم.

امام باقر علیه السلام اشاره این آیه را به نابودی لشکر سفیانی می داند (۶۴).

«قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ» (۶۵)؛

بگو: او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد.

در روایات، عذابی که از زیر پاها فرود می آید، به فرو رفتن در زمین تفسیر شده است (۶۶) و از آن جا که این عذاب در کنار خروج دجال آمده است، به نظر می رسد مقصود فرو رفتن سپاه سفیانی در منطقه بیداست.

در روایات بسیاری خروج سفیانی از نشانه های حتمی اعلام شده که پیش از ظهور قیامت در آخرالزمان تحقق خواهد یافت. محل خروج او سرزمینی خشک و زمان خروج او از آغاز تا انجام، پانزده ماه خواهد بود.

او مردی از تبار ابوسفیان و بسیار سنگ دل است که در طول جنگ های خود جنایات زیادی مرتکب شده و خون هزاران بی گناه را بر زمین می ریزد (۶۷). او دو لشکر را گسیل می دارد؛ یکی از آن ها شهرهای بابل، دمشق و کوفه را پس از شکست دادن مردمی که برای دفاع از دیار خود قیام می کنند، به تصرف خود درمی آورد.

لشکر دوم سفیانی در تعقیب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سمت مدینه حرکت می کند، اما آن حضرت به هم راه اندک یاران خود پیش از رسیدن لشکر سفیانی از مدینه خارج می شوند و در مکه پناه می گیرند. لشکریان پس از اشغال به مدت سه شبانه روز به کشتار و غارت در مدینه می پردازند. آن گاه به دنبال مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف روانه مکه می شوند و وقتی به سرزمین پیدا در بیرون مکه می رسند، به فرمان الهی و با کوبیدن زمین با پای جبرئیل، در آن سرزمین فرو می روند و تنها یک، دو یا سه نفر به صورت سگ و غیرطبیعی زنده می مانند تا به سفیانی خبر دهند بر سر یاران آن ها چه آمده است.



با آمدن لشکر یمانی از خراسان و سیدحسینی از دیلم و ملحق شدن آن‌ها به سپاه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن حضرت به سوی لشکر سفیانی حرکت می‌کند و سفیانی در جنگی با سپاه آن حضرت در کنار کوفه به دست امام کشته می‌شود و سپاه او درهم می‌شکند (۶۸).

#### ۴. خروج دجال.

یکی از شأن نزول‌های گفته شده درباره آیه «إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ» (۶۹) نزول آن درباره یهودیان است که گفتند: صاحب ما مسیح بن داود یعنی دجال در آخرالزمان بیرون می‌آید و سلطنت او در خشکی و دریا گسترش می‌یابد و ما بر عرب چیره خواهیم شد. خداوند در پاسخ فرمود: آن‌ها به این آرزو نخواهند رسید. (۷۰) هم چنین علامه طبرسی در ذیل آیه «يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ» (۷۱) روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که در آن، خروج دجال یکی از این نشانه‌ها معرفی شده است (۷۲). هم چنین در ذیل آیه «يَا عِيسَىٰ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ» (۷۳) هنگامی که از نزول عیسی علیه السلام سخن به میان می‌آید، روایاتی عرضه می‌شوند که در آن‌ها از کشته شدن دجال به دست عیسی علیه السلام خبر داده شده است (۷۴).

و نیز در تفسیر آیه «الْخَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ» (۷۵) گفته شده آفرینش آسمان و زمین از آفرینش دجال بزرگ‌تر است؛ زیرا دجال در میان نسل آدمی از همه عظیم‌تر بوده است (۷۶).

دجال نام شخصیتی فتنه جوست که در آخرالزمان خروج می‌کند و خسارت‌های جبران‌ناپذیری به بسیاری از مردم جهان وارد می‌سازد. از فتنه او در روایات، به عنوان بزرگ‌ترین فتنه در تاریخ بشر یاد شده (۷۷) و نام او افزون بر منابع اسلامی در بسیاری از منابع ادیان و ملل آمده است. او را به سبب گردش در زمین یا فریب کاری دجال گفته‌اند. نام دیگرش مسیح است که در وجه تسمیه آن گفته‌اند: یک چشم او (چشم راست) ممسوح، یعنی نابیناست. یا آن‌که چون به دروغ خود را مسیح معرفی می‌کند؛ یا آن‌که به جز مکه و مدینه به همه مناطق زمین پا می‌گذارد (۷۸).

او پس از پیروزی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر سفیانی، از سجستان خروج می‌کند یاران او یهودیان، مغول، تبه کاران و بیش تر زنان بدکاره هستند. او نخست ادعای پیامبری و سپس دعوی خدایی می‌کند و به هر منطقه‌ای که می‌رسد با زور شمشیر یا





کشت. (۸۲)

گذشته از روایات از ظاهر آیه فوق به دو نکته پی می بریم:

۱. بالا بردن عیسی علیه السلام به آسمان در جریان هجوم یهودیان برای کشتن او با توجه به این که آسمان جای انسان ها نیست، نشان گر گذرا بودن این درنگ است و می توان از آن دریافت که خداوند عیسی علیه السلام را برای روزی خاص ذخیره کرده است.  
۲. از این آیه که در آن واژه «توفی» به کار رفته و نیز آیه «و ما قَتَلُوهُ و ما صَلَبُوهُ... بل رَفَعَهُ اللهُ إِلَيْهِ» (۸۳) به کمک روایات درمی یابیم عیسی علیه السلام در آسمان زندگی می کند و با توجه به فراگیر بودن مرگ و این که زمین بستر مرگ است، می توان نتیجه گرفت که سرانجام روزی عیسی علیه السلام به زمین فرود آمده و در آن قبض خواهد شد.  
ب) «و إن من أهل الكتاب إلا ليؤمنن به قبل موته» (۸۴) «و از اهل کتاب، کسی نیست مگر آن که پیش از مرگ خود حتماً به او ایمان می آورد».

در تفسیر این آیه، سه وجه گفته شده است:

۱. هر دو ضمیر «به» و «موت» به عیسی علیه السلام برمی گردد و معنای آیه چنین است: هیچ یک از یهود و نصارا باقی نمی ماند، مگر آن که پیش از مرگ عیسی علیه السلام به او ایمان خواهد آورد و این رخداد به هنگام فرود عیسی علیه السلام از آسمان در آخرالزمان تحقق می یابد.

۲. ضمیر «به» به عیسی و ضمیر «موت» به اهل کتاب بازمی گردد و معنای آیه چنین است: هیچ یهودی یا نصرانی نیست، مگر آن که پیش از مرگ به عیسی علیه السلام ایمان می آورد، هر چند ایمان او در این حالت سودی به حالش نمی بخشد.

۳. ضمیر «به» به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و ضمیر «موت» به اهل کتاب برمی گردد، و معنای آیه این است: هیچ یهودی یا نصرانی نیست، مگر آن که پیش از مرگ خود به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ایمان می آورد (۸۵).

بسیاری از مفسران تفسیر نخست را پذیرفته اند (۸۶) و روایتی از امام باقر علیه السلام این تفسیر را تأیید می کند. (۸۷)

ظاهر آیات پیشین که به روشنی درباره عیسی علیه السلام و نفی کشتن اوست، تفسیر سوم را تضعیف می کند؛ زیرا مخالف میثاق آیات است، و ضعف تفسیر دوم در آن است که اولاً به استناد چه قرینه ای اهل کتاب در هنگام مرگ به عیسی علیه السلام ایمان می



آورند؟ ثانیاً، ایمانی که سودی نبخشد چه اثری دارد که قرآن از آن به عنوان دلیلی بر حقایق رسالت عیسی علیه السلام یاد می کند؟ بر اساس تفسیر دوم، عیسی علیه السلام روزی به زمین باز خواهد گشت و یهود و نصارا بدون استثنا درخواست یافتن قضاوت های نادرستی که درباره عیسی علیه السلام داشتند از جمله پسر خدا بودن، شرکت در الوهیت، به صلیب کشیده شدن و سرانجام قتل عیسی علیه السلام باطل بوده و به او چنان که شایسته اش است ایمان می آورند. هم چنین آیه شریفه از مرگ نهایی عیسی علیه السلام به طور ضمنی خبر داده است. روایات توضیح می دهند که این رخداد در آخرالزمان و در دوران ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اتفاق می افتد.

(ج) «و إِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا» (۸۸)؛ «و همانا آن، نشانه ای برای [فهم] رستاخیز است، پس زنهار در آن تردید مکن.» این آیه پس از آیاتی قرار دارد که از عیسی بن مریم علیه السلام به عنوان مَثَل بنی اسرائیل یاد شده است. از این رو همه مفسران ضمیر «انه» را به عیسی علیه السلام برگردانده و آیه را چنین معنا کرده اند: «همانا آن (عیسی) نشانه ای برای رستاخیز است. پس در آن تردید نکن. (۸۹)»

برخی مفسران به استناد قرائت غیرمشهور آیه گفته اند: مقصود از واژه «علم» «نشانه است؛ یعنی نزول عیسی علیه السلام نشانه ظهور قیامت است (۹۰).

از این آیه نیز درمی یابیم عیسی علیه السلام روزی از آسمان فرود می آید و چون فرود او در فرجام جهان رخ می دهد، نشانه ظهور و بروز قیامت خواهد بود.

### نزول عیسی در روایات

به استناد روایات بسیار، عیسی علیه السلام در حالی که دو ابر رنگی او را دربرگرفته اند و هفتاد هزار فرشته هم راهی اش می کنند و دست خود را بر بال های دو فرشته گذاشته، نزدیک مناره شرقی دمشق فرود می آید. عرق از پیشانی او می ریزد و در دستش حربه ای است. بوی بدنش چنان است که به مشام هر کافری برسد می میرد. هنگامی که وارد بیت المقدس می شود مردم به امامت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مهبیای خواندن نماز صبح یا عصرند. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از عیسی علیه السلام می



خواهد تا امامت کند اما عیسی علیه السلام می گوید: «کسی بر شما اهل بیت پیشی نمی گیرد؛ من وزیر برانگیخته شده ام نه امیر.» پس از اقامه نماز به امامت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عیسی علیه السلام دجال را می کشد، آن گاه به فرمان او خوک ها را می کشند، صلیب ها را می شکنند، همه کلیساها و کنیسه ها ویران شده و تمام نصارا و یهود به جز مؤمنان واقعی به قتل می رسند (۹۱). عیسی علیه السلام اسلام را به عنوان دین حق اعلام می کند و مردم را به تبعیت از مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرامی خواند (۹۲).

برخی بر این نکته پای فشرده اند که روایات نزول عیسی علیه السلام متواتر و اجماعی و نزول او از ضروریات دین است (۹۳).

فلسفه نزول عیسی علیه السلام در آخرالزمان و در دوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

برخی برای نزول عیسی علیه السلام حکمت های زیر را برشمرده اند:

۱. برای رد ادعای یهود درباره کشتن عیسی علیه السلام؛

۲. دعای عیسی علیه السلام برای درک فضیلت امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم؛

۳. برای کشتن دجال؛

۴. برای تکذیب مسیحیان در اعتقادات باطل نسبت به عیسی علیه السلام. (۹۴)

گذشته از گونه های یاد شده که تا حدودی اصل فلسفه نزول عیسی علیه السلام را تبیین می کند، در بیان فلسفه نزول و هم راهی عیسی علیه السلام با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می توان افزود که عیسی علیه السلام آخرین سلسله از پیامبران بنی اسرائیل است که پیش از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ظهور کرده و نسب او از مادر به اسحاق و ابراهیم علیهما السلام می رسد و در آن سو، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آخرین پیامبر آسمانی است که پس از عیسی علیه السلام برانگیخته شده و نسب او از پدر به اسماعیل و ابراهیم علیهما السلام می رسد. شریعت ابراهیم علیه السلام که همان اسلام است به وسیله پیامبران بنی اسرائیل، به ویژه عیسی علیه السلام و حواریون به غرب عالم کشیده شد و چنان که امروزه شاهد هستیم، مسیحیان جمعیت انبوهی از غرب جهان را دربرمی گیرند و این شریعت از طریق پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به طرف شرق جهان گسترش یافت.



پیروان هر یک از دو دین اسلام و مسیحیت هم پای یک دیگر تا به امروز بیش از یک و نیم میلیارد نفر را به خود اختصاص داده و جغرافیای جهان را تقسیم کرده اند. این دو دین با وجود جدایی ظاهری از جهات مختلفی در مبانی و شریعت به یک دیگر نزدیکند، چنان که قرآن مسیحیان را نزدیک ترین امت ها به مسلمانان دانسته (۹۵) و آن ها را به سبب تحت تأثیر قرار گرفتن در برابر آیات الهی ستوده است (۹۶). از این رو، این دو دین الهی به مانند دو رشته ای هستند که با وجود وحدت خاستگاه آن ها (آیین ابراهیم) در اثر دخالت شیاطین و به انحراف کشیدن مسیحیت از جاده حقیقت، از یک دیگر فاصله گرفته اند. عیسی علیه السلام در آخر الزمان فرود می آید تا انتهای این رشته را به دست مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که پرچم دار و وارث اسلام است بسپارد و با دعوت مسیحیان به پیروی از او و پذیرش اسلام این دو رشته را به هم مرتبط سازد. بدین سبب است که او در حضور مردم، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را برای امامت جماعت پیش می دارد و به او اقتدا می کند.

در حقیقت عیسی علیه السلام نجات بخش نصارا است؛ زیرا با رافتی که دارد و با عشقی که مسیحیان راستین نسبت به او دارند، پیش از هلاکت آنان پا به عرصه زمین می گذارد تا دل های بی آلتی و حقیقت جو را به سوی دین حق فرا خواند و مانع هلاکت ابدی آن ها شود.

از سویی هم راهی عیسی علیه السلام با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای پیش برد اهداف آن حضرت نیز مؤثرتر است؛ زیرا مسیحیان با شناختن عیسی علیه السلام بر اساس توصیف او در کتاب های دینی، به سخنانش آسان تر از سخنان و دعوت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تن خواهند داد و بدون آن که کار دعوت به اسلام به قهر انجامد، بسیاری از سر میل و خواست قلبی ایمان خواهند آورد.

### ۶. خروج یا جوج و مأجوج

در آیات زیر از خروج اقوام وحشی به نام یا جوج و مأجوج در آخر الزمان سخن به میان آمده است:

«و تَرَکْنَا بَعْضَهُمْ یَوْمَئِذٍ یَمُوجُ فِی بَعْضٍ وَ نُفِخَ فِی الصُّورِ (۹۷)»

و در آن روز آنان را رها می کنیم تا موج آسا برخی با برخی درآمیزند و در صور دمیده می شود.





«حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ» (۹۸)؛

تا وقتی که یأجوج و مأجوج [راهشان] گشوده شود و آن‌ها از هر پشته‌ای بتازند.

یأجوج و مأجوج اقوامی وحشی و غارت‌گر بودند که ذوالقرنین بنا به درخواست اقدامی بدوی که از هجوم بی‌دربی یأجوج و مأجوج در امان نبوده و از ذوالقرنین یاری خواستند، میان دو کوه سدی بزرگ و بسیار محکم ساخت و از این راه مانع هجوم و غارت‌گری این اقوام وحشی شد (۹۹)؛ زیرا آن‌ها نه می‌توانستند از آن سد بالا بروند و نه آن را سوراخ نمایند. آن‌گاه پیش‌بینی کرد که با نزدیک شدن قیامت، این سد خراب شده و یأجوج و مأجوج از هر سو برای قتل و غارت سرازیر خواهند شد (۱۰۰). درباره این که مراد از یأجوج و مأجوج چه اقوامی است و در کجا ساکنند و به کدام سرزمین هجوم می‌آوردند و سد ذوالقرنین در کجا ساخته شد، تاکنون دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است.

علامه طباطبایی قدس سره پس از مباحثی مبسوط چنین نتیجه می‌گیرد که یأجوج و مأجوج اقوام مغول هستند (۱۰۱). بسیاری نیز این اقوام را از اقوام ترک منسوب به ترک بن یافت بن نوح و ساکنان مغولستان، ترکستان، سیبری و... دانسته‌اند. (۱۰۲) توصیفی که از وحشی بودن و غارت‌گری یأجوج و مأجوج در قرآن آمده است بر اساس شواهد تاریخی به قوم مغول بسیار نزدیک است؛ چنان‌که ماجرای غارت‌گری آنان در سده ششم که به چپاول کشورهای گوناگون از جمله ایران انجامید و خون هزاران انسان بی‌گناه و وحشیانه بر زمین ریخته شد نیز گواه این مدعاست (۱۰۳).

در برخی روایات چهره‌های آن‌ها «مجان مطرقة»، یعنی سپرهای چکش خورده، چشم‌های آن‌ها کوچک و صورت‌هایشان کشیده ترسیم شده است (۱۰۴).

در نهج البلاغه از طغیان و سرکشی اقوامی با همین ویژگی‌ها خبر داده شده که در دیدگاه شارحان به حمله گسترده مغول تفسیر شده است. (۱۰۵) البته در توصیف این اقوام و بزرگی اندام آن‌ها مطالب خرافه‌ای نیز وارد شده که از نظر برخی حدیث‌شناسان مردود اعلام شده است.

بر اساس روایات، سپاه یأجوج و مأجوج چنان بزرگ و گسترده است که بخش زیادی از زمین را دربرمی‌گیرد و وقتی به دجله و فرات و دریاچه طبرستان می‌رسند همه آب آن‌ها را مصرف می‌کنند و سر راه خود تمام آذوقه مردم را به یغما می‌برند.



مردم از ترس آنان به خانه های خود پناه می برند، اما آن ها به هر منطقه ای که می رسند به کشتار و غارت می پردازند و چنان از خلاق می کشند که می گویند: ما تمام اهل زمین را کشته ایم، حال نوبت آسمانیان است. آن گاه تیری به سوی آسمان رها می کنند و آن تیر آغشته به خون باز می گردد و آنان گمان می کنند که به مقصود خود نایل شده اند، تا آن که به منطقه فلسطین می رسند. در این هنگام عیسی علیه السلام به هم راه مسلمانان بالای کوه سینا پناه گرفته اند. عیسی علیه السلام برای نابودی آنان دست به دعا برمی دارد و خداوند به کرم هایی فرمان می دهد که وارد بینی آن ها شده و گردن هایشان را بخورند. صبح هنگام همه آن ها می میرند و بوی تعفن اجسادشان تمام زمین را فرامی گیرد. پرنندگان از آسمان فرود می آیند و با منقارهای خود آنان را به دریا می افکنند و بارانی سیل آسا زمین را از لاشه آن ها شست و شو می دهد (۱۰۶). بدین ترتیب ماجرای طغیان یأجوج و مأجوج با نابودی آن ها پایان می پذیرد.

## ۷. خروج دابه الارض

«و إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ» (۱۰۷)  
 بیش تر مفسران پذیرفته اند خروج دابه الارض از نشانه های آخرالزمان بوده و پیش از قیامت رخ می دهد (۱۰۸). این امر به دو دلیل است:

۱. آیه با قرائتی هم راه است که این مدعا را ثابت می کند:

الف) خارج ساختن دابه از زمین ناظر به زمانی است که هنوز زمین بر جای خود بوده و نظام جهان به هم نریخته است.  
 ب) ضمیر «لهم» به استناد آیه پیشین به کافرانی لجوج بازمی گردد که با وجود همه کوشش های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به سبب تاریکی دل و کوری باطن از هدایت محرومند. هدف از بیرون آوردن دابه، اعلام پایان پذیری سودمندی ایمان است. پیداست این ویژگی ها مربوط به دنیا و پیش از فروریختن نظام هستی است.  
 ج) در آیات بعدی از نفخ صور که سرآغاز قیامت است سخن به میان آمده است. ترتیب منطقی اقتضا می کند که خروج دابه الارض



پیش از قیامت رخ دهد.

۲۰. روایات بسیاری خروج دابه الارض، از نشانه های مسلم آخرالزمان معرفی شده است (۱۰۹).

دابه الارض در روایات

در برخی روایات آمده است: هنگامی که عیسی علیه السلام به همراه مسلمانان مشغول طواف به دور کعبه است، زمین زیر پای آن ها لرزیده و صفا را می شکافد و در آغاز سر دابه که کرک و مو دارد و سپس تمام بدن از صفا خارج می شود. نه کسی را یارای گرفتن آن است و نه گریز از آن (۱۱۰). به هم راه دابه، انگشتر سلیمان و عصای موسی علیه السلام است. مردم از ترس آن به مسجدالحرام پناه می برند، اما او معترض کسی نمی شود. با هر ملیتی به زبان خودشان صحبت می کند و به حقانیت اسلام و بطلان سایر ادیان گواهی می دهد. دابه عصای خود را روی پیشانی مسلمان می گذارد و چهره مؤمن به سان ستاره ای درخشان روشن می گردد و بین چشمانش می نویسد این مؤمن است. او انگشتر سلیمان را بر پیشانی کافر می گذارد و نقطه ای تاریک و سیاه ظاهر شده، روی آن می نویسد: این کافر است. بدین ترتیب صف مؤمنان حقیقی را از کافران جدا می سازد (۱۱۱).

ماهیت دابه الارض

در بیش تر روایات اهل سنت، دابه، حیوانی عجیب الخلقه دارای چهار پا، سری هم چون سر گاو، چشمی هم چون چشم خوک و گوشی به سان گوش فیل ترسیم شده است (۱۱۲).

برخی از مفسران با استناد به اطلاق دابه بر حیوان و نیز دلالت سخن گفتن حیوان بر معجزه، حیوانی بودن دابه را ترجیح داده اند (۱۱۳)، اما افزون بر مواردی اندک در روایات اهل سنت، در همه روایات و تفاسیر شیعه دابه به انسان و شخص حضرت امیر علیه السلام تفسیر شده است. در تفسیر قرطبی آمده است: ماوردی از محمد بن کعب روایت می کند که از علی علیه السلام سؤال شد: دابه

چیست؟ علی علیه السلام فرمود:

اما و الله ما لها ذنب و ان لها لحيه؛



سوگند به خدا دابه دارای دم نیست، بلکه دارای محاسن است. ماوردی می گوید: این کلام به انسان بودن دابه اشاره دارد، هر چند بدان تصریح نشده است. قرطبی می گوید: برخی مفسران متأخر، مقصود از دابه را انسان متکلمی دانسته اند که با اهل بدعت و کفر به مناظره می پردازد (۱۱۴). در روایتی آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام را در حالی که روی شن دراز کشیده بود بیدار کرد و فرمود: یا دابه الارض! آن گاه خطاب به اصحاب فرمود: این نام مخصوص علی علیه السلام است (۱۱۵). اصبع بن نباته می گوید: نزد امیر مؤمنان رفتم، در حالی که مشغول خوردن نان، سرکه و روغن بود. پرسیدم: مقصود از دابه چیست؟ فرمود: او دابه ای است که نان، سرکه و روغن می خورد. (۱۱۶) بنابراین، خروج دابه الارض که احتمال دارد علی علیه السلام باشد، از مسلمات است.

#### ۸. رجعت

«و یوم نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ» (۱۱۷)؛ و آن روز که از هر امتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده اند محشور می گردانیم، پس آنان ننگه داشته می شوند تا همه به هم پیوندند.

این آیه از حشر گروهی از تکذیب کنندگان از میان هر امت خبر می دهد و به سه دلیل مقصود از آن، گرد هم آمدن در قیامت نیست:

الف) حشر در قیامت همگانی است و هیچ کس از آن مستثنا نیست (۱۱۸)، در حالی که طبق مفاد این آیه، تنها گروهی خاص از هر امت محشور می شوند. (۱۱۹)

ب) این آیه پس از آیه دابه الارض آمده که نشان گر وقوع چنین حشری هم زمان یا پس از خروج دابه الارض است و از آن جا که خروج دابه الارض از رخدادهای آخرالزمان و پیش از قیامت است، می توان نتیجه گرفت که این حشر پیش از قیامت رخ می دهد. ج) در چند آیه پس از آن، از دمیدن در صور سخن به میان آمده است. نظم منطقی ایجاب می کند که این آیه ناظر به حوادث پیش از



قیامت است (۱۲۰).

بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام در آخرالزمان و پس از استقرار حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خداوند گروهی از مؤمنان صالح و جمعی از کافران و جنایت پیشگان تاریخ را زنده می کند تا با کیفر کافران و ستم کاران به دست صالحان، ضمن انتقام از آنان دل مؤمنان را شادمان سازد.

رجعت از عقاید اختصاصی شیعه است و متکلمان شیعه ضمن تأکید بر امکان رجعت و وقوع آن در برخی از اقوام پیشین مانند زنده شدن اصحاب کهف پس از گذشت سال های متمادی، رجعت گروهی از بنی اسرائیل پس از مرگ در کوه طور و... و با استناد به آیه مزبور و روایات اهل بیت علیهم السلام وقوع آن را در آخرالزمان حتمی می دانند، در عین حال معتقدند رجعت جزو اصول عقاید شیعه نیست و انکار آن خدشه ای به عقیده نمی رساند (۱۲۱).

• پی نوشت ها:

- ۵۶. سوره سبأ، آیه ۵۱.
- ۵۷. جامع البیان، ج ۱۲، ص ۱۳۰.
- ۵۸. همان، ص ۱۲۹.
- ۵۹. همان.
- ۶۰. همان، ص ۱۳۰؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۲۹؛ بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۱۵۷-۱۵۸ و ج ۵۲، ص ۱۸۵.
- ۶۱. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۹۰.
- ۶۲. همان، ص ۳۹۱.
- ۶۳. سوره نساء، آیه ۴۷.



- ۶۴ کتاب الغیبه، ص ۱۵۲؛ معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج ۵، ص ۲۴.
- ۶۵ سوره انعام، آیه ۶۵.
- ۶۶ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲.
- ۶۷ همان، ص ۱۸۶؛ يوم الخلاص، ص ۵۷۶.
- ۶۸ کتاب الغیبه، ص ۱۶۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۹؛ يوم الخلاص، ص ۵۷۶-۵۸۴؛ جامع البيان، ج ۱۲، ص ۱۲۹؛ عصر ظهور، ص ۱۲۳-۱۵۶.
- ۶۹ سوره غافر، آیه ۵۶.
- ۷۰ کشف الاسرار، ج ۸، ص ۴۸۲.
- ۷۱ سوره انعام، آیه ۱۵۸.
- ۷۲ مجمع البيان، ج ۴، ص ۲۰۱.
- ۷۳ سوره آل عمران، آیه ۵۵.
- ۷۴ جامع البيان، ج ۴، ص ۳۹۵-۳۹۶.
- «۷۵ قطعاً آفرینش آسمان ها و زمین بزرگ تر [و شکوه مندتر] از آفرینش مردم است.» (سوره غافر، آیه ۵۷).
- ۷۶ کشف الاسرار، ج ۸، ص ۴۸۴.
- ۷۷ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «یا ایها الناس إنها لم تکن فتنه فی الارض اعظم من فتنه الدجال و إن الله تعالی لم یبعث نبیاً الا حذرہ امتہ» (معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج ۲، ص ۱۲).
- ۷۸ کشف الاسرار، ج ۸، ص ۹۱۹.
- ۷۹ همان، ج ۲، ص ۱۴۲-۱۴۳؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۵۹۲-۵۹۵؛ اشراط الساعه، ص ۷۰-۸۴.
- ۸۰ سوره آل عمران، آیه ۵۵.
- ۸۱ جامع البيان، ج ۳، ص ۳۹۴-۳۹۷.



- ۸۲ همان، ص ۳۹۵-۳۹۶.
- ۸۳ سوره نساء، آیه ۱۵۷-۱۵۸.
- ۸۴ سوره نساء، آیه ۱۵۹.
- ۸۵ مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۱۱؛ جامع البیان، ج ۴، ص ۲۵-۲۹.
- ۸۶ مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۱۱؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۵۸؛ تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۳۸۶؛ المیزان، ج ۵، ص ۱۳۵.
- ۸۷ مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۱۱.
- ۸۸ سوره زخرف، آیه ۶۱.
- ۸۹ جامع البیان، ج ۱۳، ص ۱۱۵؛ کشف الاسرار، ج ۹، ص ۷۴؛ الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۶، ص ۷۰.
- ۹۰ جامع البیان، ج ۱۳، ص ۱۱۶؛ کشف الاسرار، ج ۹، ص ۷۴؛ الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۶، ص ۷۰.
- ۹۱ کشف الاسرار، ج ۲، ص ۱۴۳؛ تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، ص ۵۹۱-۵۹۶.
- ۹۲ جدید فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۹۵.
- ۹۳ اشراط الساعه، ص ۹۰.
- ۹۴ همان، ص ۹۰-۹۱.
- «۹۵ لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا... قَالُوا إِنَّا نَصَارَى» «و قطعاً کسانی را که گفتند: ما نصرانی هستیم، نزدیک ترین مردم در دوستی با مؤمنان خواهی یافت.» (سوره مائده، آیه ۸۲).
- «۹۶ وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ» «و چون آن چه را به سوی این پیامبر نازل شده، بشنوند، می بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته اند، اشک از چشم هایشان سرازیر می شود. می گویند: پروردگارا، ما ایمان آورده ایم؛ پس ما را در زمره گواهان بنویس.» (سوره مائده، آیه ۸۳).
- ۹۷ سوره كهف، آیه ۹۹.
- ۹۸ سوره انبیاء، آیه ۹۶.



- ۹۹ نک: سوره كهف، آیه ۹۲-۹۳.
- ۱۰۰ نک: سوره كهف، آیه ۹۷-۹۹.
- ۱۰۱ نک: الميزان، ج ۱۳، ص ۳۹۵-۳۹۶.
- ۱۰۲ يوم الخلاص، ص ۴۹۲؛ الاشاعه لاشراط الساعه، ص ۲۲۹-۲۳۰.
- ۱۰۳ الميزان، ج ۱۳، ص ۳۹۶-۳۹۷.
- ۱۰۴ برای آشنایی بیشتر با روایات یأجوج و مأجوج، نک: الکافی، ج ۸، ص ۲۲۰، حدیث یأجوج و مأجوج، بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۹۵، باب اشراط الساعه؛ یأجوج و مأجوج فتنه الماضي والحاضر والمستقبل.
- ۱۰۵ نهج البلاغه، خطبه ۱۲۸.
- ۱۰۶ الدر المنثور، ج ۱۷، ص ۶۷۶-۶۷۷.
- ۱۰۷ سوره نمل، آیه ۸۲.
- ۱۰۸ جامع البيان، ج ۱۱، ص ۱۹-۲۰؛ الميزان، ج ۷، ص ۳۹۱.
- ۱۰۹ اشراط الساعه، ص ۱۰۷-۱۰۸؛ الاشاعه فی اشراط الساعه، ص ۲۶۱-۲۶۶؛ معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشريف، ج ۲، ص ۱۶۳-۱۹۴ (در این کتاب مصادر روایی و تفسیری حدیث دابه الارض آمده است).
- ۱۱۰ جامع البيان، ج ۴، ص ۱۳۵-۱۳۶؛ مجمع البيان، ج ۵، ص ۵۹۹.
- ۱۱۱ كشف الاسرار، ج ۷، ص ۲۵۶-۲۵۸؛ الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۳، ص ۱۵۶-۱۵۷؛ مفاتیح الغیب، ج ۲۴، ص ۵۷۲.
- ۱۱۲ الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۳، ص ۱۵۶.
- ۱۱۳ همان، ص ۱۵۷.
- ۱۱۴ همان، ص ۱۵۶-۱۵۷.
- ۱۱۵ البرهان، ج ۶، ص ۳۶.





- ۱۱۶ هـ.م، ص ۳۸. برای آگاهی بیشتر با این گونه روایات، نک: معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، ج ۲، ص ۱۹۳، من احادیث الشيعه فی دابه الارض.
- ۱۱۷. سوره نمل، آیه ۸۳.
- ۱۱۸. نک: سوره كهف، آیه ۴۷.
- ۱۱۹. البرهان، ج ۶، ص ۳۶.
- ۱۲۰. الالهيات، ج ۲، ص ۷۹۱؛ الميزان، ج ۱۵، ص ۳۹۷.
- ۱۲۱. برای آگاهی بیش تر درباره رجعت، نک: المسائل السرويه، ص ۳۰-۳۶؛ رسائل المرتضى، ج ۱، ص ۱۲۴-۱۲۵؛ الفصول المختاره: ص ۱۵۳-۱۵۸؛ اوائل المقالات، ص ۷۸-۷۹؛ الاعتقادات، ص ۶۴-۶۰؛ الالهيات، ج ۲، ص ۷۸۸-۷۹۰.
- منابع تحقیق:
- ۱. اشاعه لاشراط الساعه، محمد بن عبدالرسول شهرزوری، دمشق، دارالهجره، ۱۴۱۶ ق.
- ۱. اشراط الساعه الصغرى و الكبرى، شیخ عزالدین حسین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ ق.
- ۳. الاعتقادات فی دین الامامیه، محمد بن علی بن بابویه القمی (شیخ صدوق)، قم، دارالمفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
- ۴. اوائل المقالات، محمد بن نعمان (شیخ مفید)، بیروت، دارالمفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
- ۵. بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- ۶. البرهان فی تفسیر القرآن، سیدهاشم بن سلیمان بحرانی، قم، مؤسسه البعثه مرکز الطباعه و النشر، ۱۳۷۳ ش.
- ۷. پیام قرآن، ناصر مکارم شیرازی و دیگران، قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۷۳ ش.
- ۸. التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن طوسی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
- ۹. تفسیر الصافی، محمد محسن فیض کاشانی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق.
- ۱۰. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.



- ۱۱. تفسیر القرآن العظیم، عمادالدین اسماعیل ابن کثیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۱۲. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، تصحیح: سیدطیب جزائری، قم، مؤسسه دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
- ۱۳. التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، محمد بن عمر فخر رازی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۳ق.
- ۱۴. تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل الشریعه، محمد بن حسن حرّ عاملی، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، چاپ ششم، ۱۳۶۷ش.

- ۱۵. جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ابن جریر طبری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- ۱۶. الجامع الصحیح (صحیح بخاری)، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
- ۱۷. الجامع الصحیح (صحیح مسلم)، محمد بن مسلم حجاج قشیری، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ۱۸. الجدید فی تفسیر القرآن، محمد سبزواری نجفی، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت علیهم السلام؛
- ۱۹. دائره المعارف بزرگ اسلامی، محمدکاظم بجنوردی، تهران، مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ش.
- ۲۰. دائره المعارف قرآن، مرکز معارف قرآن، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۲ش.
- ۲۱. الدر المنثور فی تفسیر المأثور، جلال الدین سیوطی، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.
- ۲۲. رسائل الشریف المرتضی، علی بن حسین موسوی (سیدمرتضی)، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۷۹ش.
- ۲۳. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، سید محمود آلوسی، بیروت، دارالفکر، بی تا.
- ۲۴. عصر ظهور، علی کورانی، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ش.
- ۲۵. الفصول المختاره، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، تحقیق: سیدعلی میرشریفی، بیروت، دارالمفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.

- ۲۶. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۸ق.
- ۲۷. کتاب الغیبه، محمد بن ابراهیم نعمانی، قم، انوارالهدی، ۱۴۲۲ق.
- ۲۸. کتاب مقدس، عهد قدیم (فارسی)، جمعیت یریتش و فورن، لندن، ۱۹۹۳م.



- ٢٩. الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، محمد بن عمر زمخشري، بيروت، دارالكتب العلميه، بي تا.
- ٣٠. كشف الاسرار و عده الابرار، احمد بن محمد ميدي، تحقيق: علي اصغر حكمت، تهران، انتشارات ابن سينا، ١٣٨١ش.
- ٣١. كمال الدين و تمام النعمه، محمد بن علي بن بابويه (شيخ صدوق)، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ١٤٠٥ق.
- ٣٢. مجمع البيان في علوم القرآن، امين الاسلام طبرسي، تهران، انتشارات ناصر خسرو، بي تا.
- ٣٣. محاضرات في الالهيّات، جعفر سبحاني، قم، المركز العالمي للدراسات الاسلاميه، ١٤١١ق.
- ٣٤. المسائل السرويّه، محمد بن محمد بن نعمان (شيخ مفيد)، قم، كنگره جهاني شيخ مفيد، بي تا.
- ٣٥. معجم احاديث الامام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، علي كوراني، قم، مؤسسه معارف اسلامي، ١٤١١ق.
- ٣٦. الميزان في تفسير القرآن، سيد محمد حسين طباطبائي، قم، انتشارات جامعه مدرسين، بي تا.
- ٣٧. نور الثقلين، عبد علي بن جمعه عروسي حويزي، قم، مؤسسه اسماعيليان، ١٤١٥ق.
- ٣٨. وسائل الشيعه، محمد بن حسن حرّ عاملي، تحقيق: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ١٤٠٩ق.
- ٣٩. يا جوج و ما جوج فتنه الماضي و الحاضر و المستقبل، شفيح ماحي احمد، بيروت، دار ابن حزم، چاپ دوم، ١٤٢٢ق.
- ٤٠. يوم الخلاص في ظل القائم المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، كامل سليمان، بيروت، دارالكتاب اللبناني، ١٤٠٢ق.